

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

سی و یکم می 2013

نفرت

برای هر درد و اندوه و حرمان امید انجایی را داریم و برای هر شب تیره و تار انتظار فرجایی.

زندگانی با ما در بیکران موهومی همسفر است تا به سهمناکترین صخره های نابودی میرسیم و در دخمه های تاریک خاموشی سر مینهیم.

هیچ صیدی از چنگال خون آشام هیولای مرگ راه فرار نخواهد داشت و هیچ فردی در بازوان گرم جاودانگی سر نخواهد نهاد.

اما کوره آتشین نفرت همواره شعله ور و زمین از انبوه کینه و غضب و خشم، خاکستری خواهد بود.

فتراک درد آلود نفرت هرگز جایگاهش را به دستان مهرآفرین رحمت و خواهد گذاشت و نه شاید فنا پذیرفت.

هرچند میدانم این واژه زهرناک و رنجدهنده و این گیاه تلخ را مکانی در زمین قلبم نیست، ولی آیا باور دارید من با چه رغبتی خواستار پرورش دادن این پدیده زشت و سیاه در چشمها، دستها و نفسها و در سلولهای سرد جسم افسرده ام هستم، تا انتقام زخمهای دردناک روح ملول و قلب آشفته ام را از او بگیرم که رنجش نابودم نمود؟

دلم میخواهد با سنگ بیزاری به در قلبش بکوبم. دلم میخواهد سایه بلند قامتش را با قطره قطره اشک از سنگفرشهای خیالم بزدايم؛ دلم میخواهد بی هیچ تحملی عظمت عشق را با سنگدلی و نفرت عوض سازم و دیگر در غربت تار و غمینم تنها بمانم.

من گل‌های محبتم را در سرزمین دور روی دریاچه‌ی آبی و فاء و صداقت رها کرده‌ام، شاید
که روزی گل‌های نیلوفر پرطراوت اعتماد و باور آنجا شناور گردد.
از آتش کینه و نفرت در گداز هستم و برای نعمت آسایش پر نیاز.
در قربانگاه عشقی می‌روم که برای نابودیش هرگز باورمند نبودم و آنجا از گوهر صاف
چشمم، نگین نگین ندامت میریزم.

(ناهدید "غزل" غنی زاده)